

رفتارشناسی امام علی (علیه‌السلام) با اولین مخالفان داخلی حکومت اسلامی

معصومه شیردل*

بی‌بی‌سادات رضی بهابادی**، فتحیه فتاحی‌زاده***

محمد جانی‌پور****

چکیده

از جمله وظایف خطیر حاکمان اسلامی، موضع‌گیری مناسب در برابر تهدید مخالفان داخلی می‌باشد. راهکار مناسب، الگوگیری از سیره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برابر اولین مخالفان داخلی حکومت علوی است. پژوهش حاضر به مطالعه مجموع سخنان حضرت درباره «اصحاب جمل»، با روش علمی و نظام‌مند «تحلیل محتوا» می‌پردازد. از دیدگاه امام، برخورد هدایت‌آمیز با مخالفان و تحلیل حرکت سیاسی آنان اهمیت بسزایی دارد. ایراد حجت عمده‌ای از خطبه‌های روشنگرانه حضرت قبل از جنگ، اهتمام وافر ایشان برای گفتگوی مستقیم با مخالفان در آغاز فتنه، هم‌چنین بهره‌وری از فضای جنگ برای گفتگو با سران مخالفان و موعظه سپاهیان و نیز، نگارش نامه‌های مفصل بعد از جنگ در تبیین نتیجه نبرد و تحلیل «فتنه جمل»، همگی بیانگر بینش فرازمانی حضرت برای اصلاح جامعه اسلامی است. بنابراین در الگوی رفتاری امام در برابر مخالفان داخلی، اولویت با «تلاش برای هدایت مخالفان و ممانعت از جنگ‌افروزی آنان» و «تبیین جنگ‌طلبی و تهدیدهای مخالفان برای جامعه اسلامی» می‌باشد. امام در پی «اخذ تعهد از مخالفان جهت پرهیز از فسادگری در جامعه»، درصدد «ریشه‌یابی علل فتنه‌انگیزی مخالفان» برمی‌آید. هم‌چنین علاوه بر «الزام مخالفان برای پایبندی به بیعت»، بر ضرورت مقابله با آنان «به‌خاطر

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، shirdel114@gmail.com

** دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)، b.razi@alzahra.ac.ir

*** استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

**** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، janpoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

پیمان شکنی‌شان» تأکید می‌کند. از طرفی، «با اثبات مشروعیت حکومتش» در احتجاج با مخالفان، به «آموزه‌های قرآنی و روایی» تمسک می‌جوید.

کلیدواژه‌ها: امام علی (علیه السلام)، اصحاب جمل، مخالفان داخلی حکومت، رفتارشناسی، تحلیل محتوا.

۱. بیان مسئله

همواره حکومت‌های مستقر در جوامع بشری با مخالفانی مواجه بوده‌اند. در اصطلاح علوم سیاسی، «مخالفان دولتی یا برانداز» بر افراد یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که به صورت خصمانه و مسلحانه در صدد براندازی حکومت هستند. (قاضی زاده و نیکخواه منفرد، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸) آنان نه تنها با مجریان سیاسی، بلکه با اصول کلی و مبانی مشروعیت نظام هم مخالفت دارند. (حق پناه، ۱۳۷۸، ص ۸۵) با توجه به اهمیت شیوه برخورد با مخالفان در حکومت اسلامی، بی‌تردید الگوگیری از سیره معصومان (علیهم السلام)، به‌ویژه بازشناسی سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای مدل‌سازی در جوامع اسلامی مورد توجه قرار دارد. اخیراً پژوهش‌های متعددی در زمینه «سیره حضرت در برابر مخالفان» نیز منتشر شده است. از جمله:

۱. «مواضع سیاسی حضرت علی (ع) در قبال مخالفین»، جلال درخشه (۱۳۷۹)، تهران: تبلیغات اسلامی - بین‌الملل. این اثر به تبیین تاریخ زندگی امام در دو بخش عمده قبل و پس از زمامداری، از جمله در مقابله با مخالفان می‌پردازد.

۲. «سیره امیرالمؤمنین (ع) در برخورد با مخالفان جنگ طلب»، محمدحسین مهوری (۱۳۷۹)، حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۲۸-۴۵۳. این مقاله به روش تاریخی، به توصیف سیره حضرت در جریان بیعت و برخورد ایشان در برابر مخالفان در سه حوزه قبل، بعد و در حین جنگ پرداخته است.

۳. «مشى امام علی (ع) در برخورد با مخالفان»، عباس توان (۱۳۸۰)، استاد راهنما: داوود فیرحی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. این اثر به صورت گزینشی عمل نموده و از میان گونه‌های برخورد امام با مخالفان، تنها مشی «تساهل و تسامح» را مورد توجه قرار داده است.

۴. «اصول و روش‌های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی علیه السلام»، علی لطیفی؛ محمدحسین ظریفیان یگانه (۱۳۹۱)، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۱۵، ص ۱۰۱-۱۱۶. این مقاله با رویکرد اخلاقی به تحلیل مسأله می‌پردازد.

۵. «شیوه‌های اجتماعی سیاسی امیرمومنان (ع) در جهت جذب و هدایت مخالفان»، کاوس روحی برندق؛ صالح قربانیان (۱۳۹۶)، پژوهش‌نامه علوی، سال هشتم، شماره اول، ص ۲۳-۴۲. این مقاله با استناد به شواهد تاریخی، به تبیین عوامل جذب و هدایت مخالفان ازسوی حضرت ازجمله انتقادپذیری، گسترش آزادی، سکوت، عدالت‌گستری و مدارا می‌پردازد.

بنابراین ملاحظه می‌شود که پژوهش‌های مزبور اغلب به روش تاریخی-توصیفی، پیرامون سیره حضرت در برابر عموم مخالفان، بدون توجه به میزان حساسیت و پیامدهای آنان در جامعه اسلامی نگاشته شده است. حال آن‌که مخالفان دولتی را می‌توان بر مبنای قلمرو حکومت، به مخالفان داخلی و خارجی تقسیم نمود. (رک. احسانی، ۱۳۹۴، ص ۸) در این میان، مخالفان داخلی به دلیل حضور در قلمرو حکومت و نیز جایگاه اجتماعی رهبران آن‌ها، به مراتب نسبت به مخالفان خارجی نقش مخرب‌تری در تشویش اذهان عمومی و انحطاط جامعه دارند. در نتیجه، لازم است جهت حفظ انسجام اجتماعی، در شیوه برخورد با آنان حساسیت و دقت بیشتری اعمال شود. اما تاکنون هیچ پژوهش مدونی پیرامون «سیره حضرت در برابر مخالفان داخلی»، آن هم با رویکرد فراتاریخی صورت نگرفته است.

بنابراین مسأله اصلی در پژوهش حاضر، «تبیین الگوی رفتاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در برابر مخالفان داخلی» است؟ بنابه تصریح امام علی (علیه السلام) و پیش‌بینی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، مخالفان عمده حکومت علوی عبارتند از: «ناکثین»، «قاسطین» و «مارقین». (رک. شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ حرعاملی ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۵۷) در این میان «ناکثین»، معروف به «اصحاب جمل»، اولین گروه از مخالفان داخلی حکومت علوی محسوب می‌شوند که از افراد شاخص آن طلحه، زبیر، عایشه و بعضی بزرگان قریش می‌باشند. آنان در ابتدای حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اقدام به مخالفت با حضرت و برپایی جنگ «جمل» کردند. به لحاظ اهمیت تاریخی، واقعه «جمل» همواره مورد توجه مورخان و محققان بوده است. چنانکه برخی پژوهش‌های اخیر، با نگاه تحلیلی به این مسأله پرداخته‌اند:

۱. «سودای پیمان‌شکنان: تحلیل فتنه جمل با تکیه بر نهج‌البلاغه»، مصطفی دلشادتهرانی (۱۳۹۴)، تهران: دریا.

۲. «نگاه تحلیلی به واقعه جنگ جمل»، لطف‌الله محمدنژاد (۱۳۹۴)، ساری: هاوژین.

۳. «روش مقابله با کودتا در نهج‌البلاغه با محوریت حرکت اصحاب جمل»، علی حاجی‌خانی؛ سعید جلیلیان (۱۳۹۶)، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، شماره ۲۰، ص ۷۱-۸۸.

با ملاحظه این آثار می‌توان گفت از مهم‌ترین رخنه‌های معرفتی آنها، مراجعه مکرر به منابع متأخری نظیر «تاریخ روضة الصفا» (رک. محمدنژاد، ۱۳۹۴، ص ۳۲-۳۳، ۶۶-۷۲) و به‌کارگیری شیوه‌گزینی در انتخاب منابع است. (رک. حاجی‌خانی و جلیلیان، ۱۳۹۶، ص ۷۲) با وجود اهتمام برای تشکیل خانواده حدیثی و تکمیل مطالب نهج‌البلاغه (دلشادتهرانی، ۱۳۹۴، ص ۲۴)، تلاش عمده این پژوهش‌ها در جهت تبیین واقعه جمل بوده است و تنها بخش اندکی به گزارش برخی روایات حضرت و تبیین سیره ایشان در برابر اصحاب جمل اختصاص یافته است. (رک. حاجی‌خانی و جلیلیان، ۱۳۹۶، ص ۷۹-۸۴) البته تحلیل‌های تاریخی آنها نیز اغلب در گستره تحلیل‌های فرامتنی و متکی به گفتار مورخان و اقوال شارحان نهج‌البلاغه است.

این چالش‌ها بر ضرورت بازپژوهی علمی پیرامون مسأله «تحلیل الگوی رفتاری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برخورد با مخالفان داخلی»، با تأکید بر مجموع سخنان و کلمات امام در مواجهه با «اصحاب جمل» و اجتناب از تمرکز بر نقل گزارشات تاریخی و استناد به اقوال مورخان می‌افزاید. برای تحقق این امر، بهتر است با رویکردی نوآورانه از روش میان‌رشته‌ای و نص‌گرایی «تحلیل محتوا» (Content analysis) استفاده شود تا امکان ارائه الگویی جامع از درون‌مایه‌های کلام حضرت فراهم آید.

۲. تبیین روش تحقیق

در این مبحث، روش «تحلیل محتوا» و فن اتخاذ شده در پژوهش حاضر، مورد تبیین قرار می‌گیرد.

۱.۲ معرفی روش «تحلیل محتوا»

«تحلیل محتوا»، تحلیل خلاصه ساز و کمی پیام است که مبتنی بر روش علمی است. (نئوندورف، ۱۳۹۵، ص ۲۱) برلسون، از برجسته ترین صاحب نظران در این حوزه، در تعریف آن می گوید: «تحلیل محتوا یکی از فنون تحقیق است که برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام به کار می رود و هدف آن تفسیر کردن است». (باردن، ۱۳۷۴ش، ص ۳۵)

ضرورت انتخاب روش «تحلیل محتوا» در پژوهش حاضر، ابتدا خصیصه نص گرایی آن یعنی بررسی مستقیم متن از سوی پژوهشگر (نیومن، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۹) و عدم دخالت دادن دلایل خارج از متن در فرآیند تحلیل است. (همان، ص ۱۷۶) چرا که، تحلیل محتوا پژوهشی پیام محور است؛ یعنی بر اندازه گیری و سنجش پیام (محتوا) تمرکز دارد. (محمدی مهر، ۱۳۸۹، ص ۳۷) از جمله دیگر مزایای این روش، استحکام آن بر قواعد اصولی مانند اعتبار، پایداری و نظام مندی است. (هومن، ۱۳۹۳، ص ۸۰) همین امر باعث استقبال فراوان محققان علوم اسلامی از این روش، برای تحلیل نصوص دینی شده است.

هدف تحلیل محتوا مانند همه تکنیک های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. (کرپیندورف، ۱۳۸۳ش، ص ۲۵) بدین ترتیب، تحلیل محتوا برای سه نوع از مسائل پژوهشی مناسب است: مسائلی که مستلزم بررسی حجم متنی زیادی هستند؛ وقتی که موضوعاتی نظیر اسناد تاریخی و با نوعی فاصله زمانی مطالعه شود؛ همچنین برای واکاوی و کشف پیام های موجود در متن به کار می آید و تمام مضامین، جهت گیری ها یا ابعادی از محتوای متن را به روشی متفاوت از روش معمول مطالعه، آشکار می سازد. (رک. نیومن، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۸۰) در واقع، تحلیل محتوا روشی در مورد تفسیر ذهنی متن از طریق کدگذاری و معرفی الگوها یا درون مایه هاست. (هومن، ۱۳۹۳، ص ۸۴)

از آنجاکه در پژوهش حاضر لازم بود حجم زیادی از روایات تاریخی امیرالمؤمنین (علیه السلام) مورد تحلیل قرار گیرد و در نهایت، الگوی جامعی از آن ارائه شود، لذا انجام این کار و تحقق اهداف مورد نظر، جز با روش «تحلیل محتوا» میسر نبود.

۲.۲ تکنیک اتخاذ شده در پژوهش حاضر

از میان انواع فنون تحلیل محتوا، برای انجام پژوهش حاضر از فن «تحلیل محتوای مضمونی» (Thematic Content Analysis (TCA)) استفاده شده است. در این روش، به جای استفاده از مقیاس‌ها و مقوله‌های از پیش تعیین شده، مضامین پیام‌ها سنجیده می‌شود. از نظر اسمیت - صاحب‌نظر برجسته در این تکنیک - تحلیل محتوای مضمونی، کدگذاری محتوا یا سبک پیام‌ها است که با هدف ارزیابی ویژگی‌ها یا تجارب افراد، گروه‌ها یا دوره‌های تاریخی صورت می‌گیرد. (نئوندورف، ۱۳۹۵، صص ۱۹۲-۱۹۳)

تفکر بنیادی و روش معمول در اغلب رویکردهای تحلیل محتوا، قرار دادن اجزای یک متن در مقولات از پیش تعیین شده است (باردن، ۱۳۷۴ش، ص ۲۹)، که در اصطلاح به این عمل کدگذاری (بسته) می‌گویند. (هومن، ۱۳۹۳، ص ۶۷) اما در فن «تحلیل محتوای مضمونی»، تحلیل از خود متن آغاز می‌شود و کدگذاری به صورت باز صورت می‌گیرد. در واقع، این روش جنبه اکتشافی دارد؛ یعنی هیچ فرضیه و پیش فرضی وجود ندارد و پژوهشگر پس از تفکیک و تقطیع متن موردنظر، در پی یافتن مضامین و کلمات برجسته در متن است. پس از کدگذاری، با دسته‌بندی مضامین مستخرج از متن می‌تواند فراوانی کلمات و مضامین را بسنجد. سپس مفاهیم و مقوله‌های پنهان در متن را استنباط کند. در پایان نیز، به توصیف و تفسیر آنها بپردازد.

۳. روش تحلیل محتوای سخنان امام علی (علیه‌السلام) در برابر اصحاب جمل

برای انجام پژوهش حاضر، ابتدا با تتبع در منابع معتبر تاریخی و روایی، تمام روایات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که در برخورد با اصحاب جمل صادر شده بود، شناسایی و استخراج گردید که در مجموع، شامل ۵۵ روایت شد. در گردآوری این روایات، دقت کافی صورت گرفت تا اطمینان نسبی حاصل شود که مجموعه کاملی از سخنان حضرت در برابر ناکثین گزارش شده است.

نکته قابل ذکر اینکه اعتبارسنجی روایات، براساس معیارهایی نظیر اعتبار و قدمت منبع، وثاقت مؤلف و تناسب محتوای روایت با فضای صدور انجام شده است. در مجموع، با توجه به اعتبار منابع عمده مورد استناد در این پژوهش، از جمله «نهج البلاغه»، «الجمل و النصرة» و «الارشاد» شیخ مفید، «الامالی» شیخ طوسی، «تاریخ» طبری، «شرح نهج البلاغه»

ابن ابی الحدید و «الإمامة و السياسة» ابن قتیبه، می توان اعتبار نسبی روایات موردنظر را مفروض دانست.

در مرحله بعد، با مطالعه منظم و تأمل در روایات موردنظر، محتوای آن‌ها بر مبنای واحد «مضمون» تقطیع و در جداول اکسل توزیع شد. سپس ستون‌هایی برای پارامترهای جدول تحلیل محتوا، از جمله «کلید واژگان»، «مضمون اصلی»، «کدگذاری باز»، «فضای صدور»، «مخاطب»، «قالب بیانی» و «یادداشت نظری» ایجاد شد. با مطالعه هر کدام از واحدهای تحلیل، مؤلفه‌های مرتبط با آن در جدول ثبت شد. سپس براساس ترتیب روایات، نوع گوینده سخن و ترتیب مضامین در هر روایت، برای هر مضمون اصلی (یعنی هر واحد تحلیل) یک کد شناسه مستقل در قسمت «کدگذاری باز» درج شد. به دلیل حجم گسترده جداول تحلیل محتوا در این اثر، امکان ارائه جدول کامل مشتمل بر متن همه روایات وجود ندارد. بنابراین از باب نمونه، بخشی از جدول مربوط به «خطبه حضرت در بصره پس از اعلان جنگ اصحاب جمل» که شیخ طوسی آن را با سند کامل در *الأمالی* نقل می‌کند (رک. طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۹-۱۷۰)، مطابق شکل ارائه می‌گردد.

نمونه‌ای از جدول تحلیل محتوای سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باره اصحاب جمل

ردیف	آیه	کلید واژگان	مضمون اصلی	کدگذاری باز	فضای صدور	مخاطب	قالب بیانی	یادداشت نظری
۳	وَقَدْ وَخَّطَهُمْ بِنَكَتِهِمْ؛ و آنان را به خاطر پیمان شکنی شان سرزنش کردم	نکت	سرزنش ناکتین به خاطر پیمان شکنی	A-3-2-3	ورود به بصره	عام: حاضرین در بصره	خطابه	
۴	وَعَرَّفَهُمْ بِبُعْثِهِمْ؛ و ظلم و تجاوزشان را به آنان متذکر شدم	بعی	تصریح بر تجاوزگری ناکتین	A-3-2-4	ورود به بصره	عام: حاضرین در بصره	خطابه	
۵	فَلْيَسُوا يَسْتَجِيبُونَ؛ ولی آنها اجابت نکردند	اجابت	تصریح بر عدم توبه ناکتین	A-3-2-5	ورود به بصره	عام: حاضرین در بصره	خطابه	

۴. مراحل تاریخی مواجهه امام علی (علیه السلام) با اصحاب جمل

مجموعه روایات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باره اصحاب جمل را می‌توان با توجه به قراین درون متنی و برون متنی، در چهار مقطع تفکیک و بررسی نمود. در واقع، این مراحل به طور کلی برای مواجهه امام با سایر مخالفان نیز قابل رصد می‌باشد.

۱- آغاز فتنه ناکثین؛ این مرحله مربوط به بازه زمانی از روز بیعت، یعنی نیمه دوم ماه ذی‌الحجه سال ۳۵ هجری (رک. یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۸؛ بلاذری، ۱۷۱۳ق، ج ۲، ص ۲۰۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۱۹۴) تا زمان خروج ناکثین از مدینه به قصد عمره می‌باشد. این مقطع بنا به تصریح امام (علیه السلام)، کمتر از یک ماه بوده است. (رک. مفید، الف، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۸) در این مبحث، هشت روایت شناسایی شد. از جمله روایات مهم در این مرحله، گفتگوهای حضرت با طلحه و زبیر در روز بیعت مبنی بر بی‌اعتمادی امام نسبت به آنان است. شیخ مفید گفتگوی حضرت با طلحه را به نقل از ابومخنف گزارش می‌کند: «لَمَّا اتَقَى النَّاسُ عِنْدَ الْمَالِ قَالَ عَلِيٌّ لَطَلْحَةَ ابْسُطْ يَدَكَ أَبَايَعُكَ فَقَالَ طَلْحَةُ أَنْتَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنِّي وَقَدْ اجْتَمَعَ لَكَ مِنْ أَهْوَاءِ النَّاسِ مَا لَمْ يَجْتَمِعْ لِي فَقَالَ لَهُ مَا خَشِينَا غَيْرَكَ فَقَالَ طَلْحَةُ لَا تَخْشَ فَوَ اللَّهِ لَا تُؤْتِي مِن قِبَلِي». (مفید، ج، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۸) ابن ابی‌الحدید نیز گفتگوی حضرت با زبیر را چنین بیان می‌کند: «قَالَ عَلِيٌّ لِلزُّبَيْرِ يَوْمَ بَايَعَهُ إِنِّي لَخَائِفٌ أَنْ تَغْدِرَ بِي وَتَنْكُثَ بِيَعْتِي قَالَ لَا تَخَافَنَّ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَكُونُ مِنِّي أَبَدًا فَقَالَ عَ فَلَیَّ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ رَاعٍ وَكَفِيلٌ قَالَ نَعَمْ اللَّهُ لَكَ عَلَيَّ بِذَلِكَ رَاعٍ وَكَفِيلٌ». (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۵)

۲- قبل از جنگ جمل؛ این مرحله شامل بازه زمانی پس از خروج طلحه و زبیر از مدینه تا قبل از ورود حضرت به بصره می‌شود. گفتنی است حضرت پس از گذشت چهار ماه از خلافتش، در سال ۳۶ هجری به همراه جمعی از اصحابش از مدینه در پی اصحاب جمل حرکت نمود (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۵۸) و از مدینه تا بصره، چندین روز در مکانهای متعددی از جمله ربه و ذوقار توقف داشت. بنابراین با کسر یک ماه نخست مربوط به حضور ناکثین در مدینه، گویا این مرحله حدود چهار ماه طول کشیده است. در واقع، این دوره طولانی‌ترین مرحله تاریخی واقعه جمل محسوب می‌شود. در این مقطع، بیست‌وسه روایت شناسایی شد. از جمله روایات مهم در این مرحله، می‌توان به نامه حضرت به والی وقت بصره؛ عثمان بن حنیف، در چگونگی برخورد با ناکثین اشاره نمود که اسکافی آن را چنین نقل می‌کند:

مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْفٍ. أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ النِّكَتَةَ لَمَّا عَاهَدُوا اللَّهَ نَكْتُوا. ثُمَّ تَوَجَّهُوا إِلَى مِصْرَكَ، وَسَائِقُهُمُ الشَّيْطَانُ يُرِيدُونَ مَا لَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ، وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا. فَإِنْ قَدِمُوا مِصْرَكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْحَقِّ، وَالرُّجُوعِ إِلَى الْوَفَاءِ بِعَهْدِ اللَّهِ وَالمِيثَاقِ الَّذِي بَايَعُوا عَلَيْهِ، فَإِنْ فَعَلُوا فَأَحْسِنْ جَوَارَهُمْ وَهُمْ بِالْإِنْصِرَافِ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَقْبَلُوا مِنْهُ، وَإِنْ أَبَوْا وَتَمَسَّكُوا بِحَبْلِ النِّكَتِ فَقَاتِلْهُمْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ. (اسکافی، ۱۳۷۴ش، ص ۶۰)

۳- در آستانه و حین جنگ جمل؛ این مرحله شامل لحظه ورود حضرت به بصره، یعنی در آستانه جنگ جمل تا پایان جنگ و کشته شدن سران ناکثین و شکست اصحاب جمل می شود. بنا به گزارشات تاریخی، هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد بصره شد، چند روزی در زاویه بصره اردو زد و به اصحاب جمل مهلت داد. پس از آن ملاقات و گفتگویی میان حضرت و سران جمل صورت گرفت. سپس جنگ جمل در روز پنجشنبه نیمه جمادی الآخر سال ۳۶ هجری رخ داد. (رک. طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۵۰۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق، /الجمل، ص ۳۳۴) بدین ترتیب، این مقطع کوتاه ترین مرحله در واقعه جمل بوده که تنها چند روز طول کشیده است. در این مبحث، یازده روایت شناسایی شد. از جمله روایات مهم در این مرحله، می توان به خطبه امام در روز جنگ اشاره نمود که جهت تشویق رزمندگان برای جهاد قاطعانه در برابر ناکثین و بیان آداب جنگ، پس از شنیدن شعار «یا لَنَارَاتِ عُثْمَانَ» از سوی جبهه جمل، ایرادشده است:

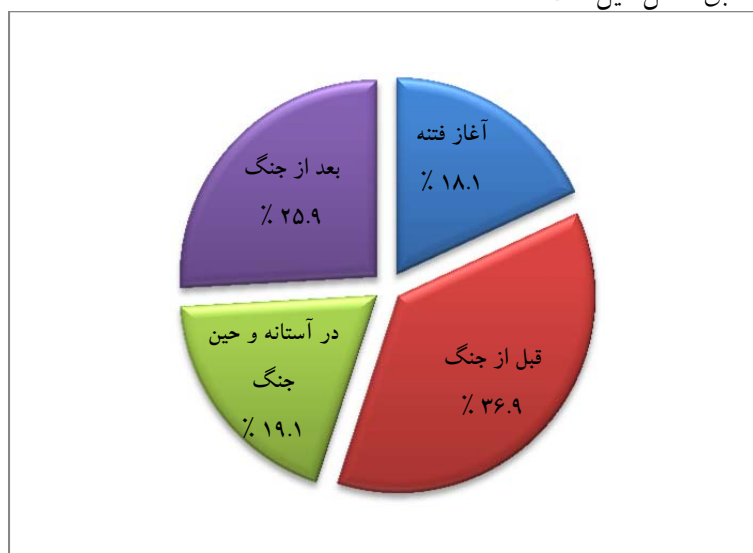
أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْمَوْتَ طَالِبٌ حَيْثُ لَا يَفُوتُهُ الْهَارِبُ وَلَا يُعْجِزُهُ فَاقْدُمُوا وَلَا تَتَكَلَّبُوا وَهَذِهِ الْأَصْوَاتُ الَّتِي تَسْمَعُونَهَا مِنْ عَدُوِّكُمْ فَشَلُّوا وَاجْتَلَفُوا إِنَّا كُنَّا نُوْمِرُ فِي الْحُرُوبِ بِالصَّمْتِ فَعَضُّوا عَلَى التَّوَاجِدِ وَاصْبِرُوا لَوَقْعِ السُّيُوفِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَلْفَ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوْتٍ عَلَى الْفِرَاشِ فَقَاتِلُوهُمْ صَابِرِينَ مُحْتَسِبِينَ فَإِنَّ الْكِتَابَ مَعَكُمْ وَالسُّنَّةُ مَعَكُمْ وَمَنْ كَانَا مَعَهُ فَهُوَ الْقَوِيُّ اصْدُقُوهُمْ بِالضَّرْبِ فَإِنَّ أَمْرِي أَحْسَنُ مِنْ نَفْسِي شَجَاعَةً وَإِقْدَامًا وَصَبْرًا عِنْدَ اللَّقَاءِ فَلَا يَبْطُرُ بِهِ وَلَا يَرَى أَنْ لَهُ فَضْلًا عَلَيَّ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَإِنْ رَأَى مِنْ أَخِيهِ فَشَلًّا أَوْ ضَعْفًا فَلْيَذْبُذْ عَنْهُ كَمَا يَذْبُذُّ عَنْ نَفْسِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ مِثْلَهُ. (مفید، ج ۴، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۸)

۴- بعد از جنگ جمل؛ این مرحله شامل بعد از اتمام جنگ جمل تا هنگام اعزام عایشه به مدینه و خروج حضرت از بصره به قصد کوفه می شود. براساس شواهد تاریخی، زمان اعزام عایشه به مدینه در غره ماه رجب بوده است (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۵۴۴) و حضرت در روز دوازدهم رجب سال ۳۶ وارد کوفه شده است. (دینوری، ۱۳۶۸ش،

ص ۱۵۲) بنابراین گویا این مقطع از حدود نیمه دوم جمادی الثانی تا اوایل ماه رجب، یعنی کمتر از یک ماه طول کشیده است. در این بخش نیز، سیزده روایت شناسایی شد. ازجمله روایات مهم در این مرحله، می‌توان به خطبه امام بعد از تقسیم بیت المال در بصره اشاره نمود که متضمن بیان حقانیت حضرت، باطل‌گرایی و شکست اصحاب جمل و نیز نقش عایشه در فتنه جمل است. شیخ مفید خطبه را از واقعی نقل می‌کند:

أُيِّهَا النَّاسُ إِنِّي أَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعَمِهِ قَبْلَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ وَهُزِمَتْ عَائِشَةُ وَإِنَّمِ اللَّهُ لَوْ كَانَتْ عَائِشَةُ طَلَبَتْ حَقًّا وَاهَانَتْ بَاطِلًا لَكَانَ لَهَا فِي بَيْتِهَا مَأْوَى وَمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْجِهَادَ وَإِنَّ أَوَّلَ خَطْبَتِهَا فِي نَفْسِهَا وَمَا كَانَتْ وَاللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ إِلَّا أَشْأَمُ مِنْ نَاقَةِ الْحِجْرِ وَمَا ازْدَادَ عَدُوَّكُمْ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ إِلَّا حَقْدًا وَمَا زَادَهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا طُغْيَانًا وَلَقَدْ جَاءُوا مُبْطِلِينَ وَأَدْبَرُوا ظَالِمِينَ إِنَّ إِخْوَانَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَآمَنُوا بِهِ يَرْجُونَ مَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَإِنَّا لَعَلَى الْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَعَلَى الْبَاطِلِ وَسَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَإِيَّاهُمْ يَوْمَ الْفَصْلِ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ لِي وَلَكُمْ. (مفید، ج، ۱۳، ۴۰۲)

بنابراین هر روایتی که خارج از محدوده‌های زمانی فوق از آن حضرت در باره اصحاب جمل نقل شده باشد، خارج از دامنه بحث شناخته می‌شود، چون در فضای صدور مورد نظر جای نمی‌گیرد. بنابراین نمودار سنجش فروانی کلمات حضرت به تفکیک مراحل تاریخی مطابق شکل ذیل است.



نمودار حجم سخنان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در مراحل تاریخی مواجهه بامخالفان داخلی

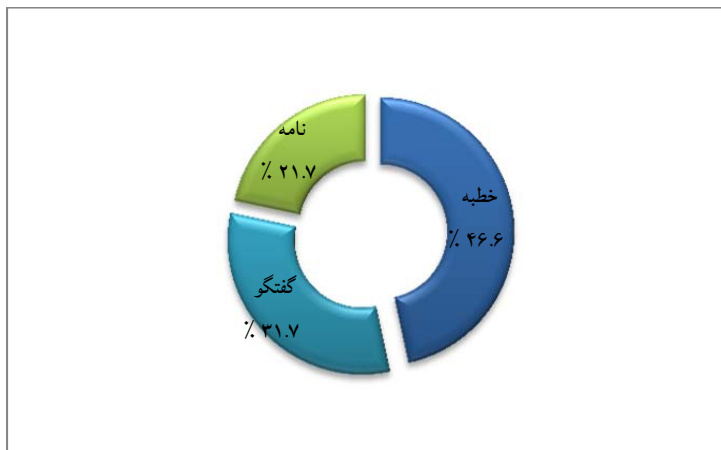
نمودار فوق به روشنی نشان می‌دهد که هر چهار مقطع زمانی برای امام مهم بوده است و مسأله مصاحبه پیرامون مخالفان و گفتگو با آنان را در هیچ کدام از این مراحل رها نکرده و پیوسته برای هدایت و اصلاح آنان تلاش نموده است.

یافته‌های نمودار بدین صورت قابل تفسیر است که در مرحله «آغاز فتنه ناکثین» باوجود اینکه تحرکات و کارشکنی‌های ناکثین اغلب به شکل نامحسوس و غیرعلنی بود، اما بصیرت اندیشی و درایت حضرت باعث شد که نسبت به مخالفت احتمالی ناکثین بی تفاوت نباشد. در نتیجه ضمن گفتگوهای مکرر با ناکثین، تمام تلاش خود را برای هدایت آنان و جلب وفادارای و پایداری آنان به حکومت علوی به کار گرفت. مرحله «قبل از جنگ» نیز، به خاطر حضور گسترده امام در مدینه و مسیر بصره و دیدار با انواع مخاطبان، بیشترین حجم کلمات حضرت را دربرمی‌گیرد. از طرفی، در مرحله «درآستانه و حین جنگ» باوجود محدودیت زمانی و شدت عمل ناکثین، حضرت از این فضای بحرانی و پرمخاطره به عنوان فرصتی برای ارشاد حاضرین در میدان نبرد و بیان آموزه‌های دینی بهره برده است. مرحله «بعد از جنگ» نیز به دلیل فراغت بیشتر حضرت و اهمیت مسأله شیوه برخورد با بازماندگان جمل و همچنین لزوم روشننگری جامعه اسلامی، حجم قابل توجه‌ای از کلام حضرت را شامل می‌شود.

۵. تحلیل اهمیت مواجهه با مخالفان داخلی از منظر امام علی (علیه السلام)

مسأله رفتار با مخالفان داخلی، از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن‌چنان مهم بوده که حضرت با حجم انبوهی از روایات پیرامون اصحاب جمل، در قالب‌های بیانی: خطبه، نامه و گفتگو، به تبیین آن پرداخته است.

نکته قابل توجه اینکه شناسایی نامه‌ها و خطبه‌ها، مستند به تصریح منابع تاریخی و روایی بوده است. مخاطبان نامه‌های حضرت، گاهی خاص و گاهی عام است. اما به طور معمول در خطبه‌ها، مخاطب عام است. اما شناسایی گفتگوهای حضرت و تفکیک آن از سایر مکالمات، دقت بیشتری می‌طلبید. زیرا برخی روایات، از چندین بخش شامل گفتگو و کلماتی در قالب دعا، نفرین یا سفارش عمومی، با تغییر در نوع مخاطبان تشکیل شده بود. (برای نمونه؛ رک. ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۱-۹۲) در اینجا مطابق شیوه رایج، کلام حضرت در قالب خطابه جای گرفت. در نتیجه، مقایسه حجم سخنان حضرت در قالب‌های بیانی مختلف بر مبنای «تعداد کلمات»، مطابق نمودار قابل ارائه است.



نمودار حجم قالب‌های بیانی کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برابر اولین مخالفان داخلی

با این اوصاف، بیشترین بسامد سخنان امام در قالب خطابه، است که این امر در تبیین ابعاد فتنه برای عامه مردم بسیار مهم بوده است. سپس «گفتگو»های امام با اصحاب جمل یا سایرین نیز حجم درخور توجهی دارد که بیانگر اهتمام حضرت نسبت به تحلیل گفتمان فتنه جمل است.

برای ارائه تحلیل مقایسه‌ای دقیق‌تری از حجم قالب‌های بیانی کلام حضرت، در جدول ذیل فراوانی کلمات حضرت در هر قالب بیانی به تفکیک بازه‌های زمانی و نوع مخاطبان (به صورت کلی) ثبت شده است.

جدول گونه‌شناسی قالب‌های بیانی سخنان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برابر اولین مخالفان داخلی

ردیف	قالب بیانی کلام حضرت	زمان صدور	فراوانی (تعداد کلمات)	درصد فراوانی جزئی	درصد فراوانی کلی
۱	خطبه	آغاز فتنه ناکثین	۵۹۹	۸/۶	۴۶/۶
		قبل از جنگ	۱۴۲۲	۲۰/۵	
		در آستانه و حین جنگ	۷۹۵	۱۱/۴	
		بعد از جنگ	۴۲۶	۶/۱	
۲	گفتگو	آغاز فتنه ناکثین	۶۶۲	۹/۵	۳۱/۷
		قبل از جنگ	۴۱۷	۶	

		در آستانه و حین جنگ	۵۳۴	۷/۷	
			۵۸۷	۸/۵	
۳	نامه	آغاز فتنه ناکثین	۰	۰	۲۱/۷
		قبل از جنگ	۷۲۵	۱۰/۴	
		در آستانه و حین جنگ	۰	۰	
		بعد از جنگ	۷۸۵	۱۱/۳	
	جمع کل	-	۶۹۵۲	۱۰۰	۱۰۰

براساس جدول فوق، مقایسه بسامد هرکدام از قالب‌های بیانی در مقاطع مختلف به شرح ذیل می‌باشد:

۱. بالاترین بسامد در قالب بیانی «خطبه» مربوط به مرحله «قبل از جنگ» است. زیرا پس از خروج ناکثین از مدینه و گردهمایی آنان در مخالفت با حضرت، امام ابتدا در مدینه و سپس در اقامت‌گاه‌های مختلف در مسیر بصره، هر زمان شرایط را مناسب می‌دید برای روشنگری مردم و پرهیز از ملحق شدن آنان به مخالفان و تشویق برای پیوستن به سپاه حق، به ایراد خطبه‌های روشنگرانه می‌پرداخت. در واقع، جامعه هدف حضرت در این مقطع، عموم جامعه اسلامی مخصوصاً مسلمانانی بود که در قلمرو فتنه جمل حضور داشتند. سپس مرحله «در آستانه و حین جنگ» نیز بسامد درخور توجهی دارد. چنانکه حضرت در این مقطع، با وجود ضیق وقت و شدت عمل ناکثین، تمام تلاش خود را به کار گرفته تا با خطبه‌هایش مردم حاضر در بصره و میدان جنگ را هوشیار سازد. کمترین بسامدها نیز متعلق به بازه‌های «بعد از جنگ» و «آغاز فتنه» است، زیرا در این مقاطع حضرت اغلب از قالب‌های بیانی دیگر استفاده کرده است.

۲. بالاترین بسامد در قالب بیانی «گفتگو» مربوط به مرحله «آغاز فتنه ناکثین» است. در این مقطع که مربوط به حضور طلحه و زبیر در مدینه و قبل از خروج آنان از مرکز خلافت علوی است، حضرت بیشترین ارتباط مستقیم را در قالب گفتگو با ناکثین برقرار نموده و تمام سعی خود را در هدایت و مجاب کردن آنان در پابندی به بیعت و پرهیز از جنگ داشته است. مرحله «بعد از جنگ» نیز در رتبه بعدی قرار گرفته است و حدود نیمی از گفتگوهای این مقطع، به گفتگوی حضرت با بازماندگان جمل اختصاص دارد. با اندکی تفاوت، بازه «در آستانه و حین جنگ» نیز بسامد بالایی دارد. در این مقطع، گرچه تنها در ۲

روایت به گفتگوی حضرت با سران جمل در آستانه جنگ و گفتگو با عایشه در حین و پایان جنگ پرداخته شده است، اما این موارد بیش از نیمی از حجم گفتگوهای حضرت در این مرحله را تشکیل می‌دهد. امام در این مقطع تمام سعی خود را نمود تا از طریق گفتگو با سران ناکثین، از بروز جنگ پرهیز نماید و قائله را با صلح فیصله دهد. در نهایت، کم‌ترین بسامد گفتگوهای حضرت مربوط به بازه «قبل از جنگ» و مربوط به گفتگوی حضرت با سایرین است.

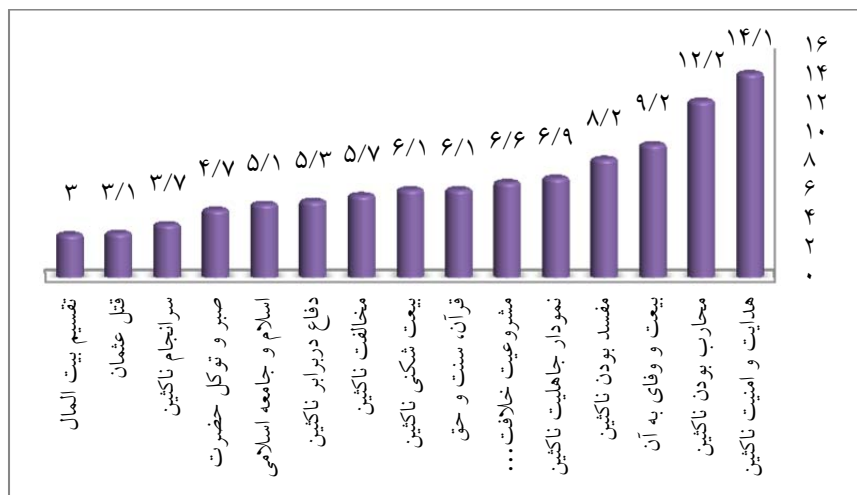
۳. در قالب بیانی «نامه» نیز ملاحظه می‌شود که امام تنها در دو مقطع «قبل از جنگ» و «بعد از جنگ» برای نامه‌نگاری اقدام نموده است. مقایسه حجم و تعداد نامه‌های حضرت در این مراحل جالب توجه است. چنانکه از نظر تعداد، در قبل از جنگ ۶ نامه و در بعد از جنگ ۴ نامه گزارش شده است. اما حجم نامه‌های حضرت بعد از جنگ بیشتر است. از آنجا که در قبل از جنگ، فراغت و شرایط لازم برای نامه نگاری فراهم نبوده است، حضرت بنا به ضرورت در مکاتباتش، مختصر به اصل بحث پرداخته است. بدین صورت که، حضرت یک نامه به ابوموسی اشعری، فرماندار وقت کوفه برای اعزام رزمندگان نوشت. (رک. مفید، ج، ۱۴۱۳، ص ۲۴۲) همچنین نامه‌ای به عثمان بن حنیف، والی بصره درخصوص نحوه برخورد با ناکثین نگاشت. (رک. اسکافی، ۱۳۷۴ش، ص ۶۰) دو نامه نیز برای مردم کوفه پیرامون فراخوان جهاد با ناکثین نوشت. (رک. طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۱۸؛ مفید، ج، ۱۴۱۳، ص ۲۴۴-۲۵۹-۲۶۰؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۸۶) در آستانه ورود به بصره نیز دو نامه برای سران جمل، یکی به طور مشترک برای طلحه و زبیر (رک. شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۵-۴۴۶) و دیگری برای عایشه نوشت. (رک. ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۶۵؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۱۵۲). اما بعد از جنگ با سرکوبی فتنه جمل، حضرت که مجال کافی برای نامه‌نگاری مفصل به اقضا نقاط حکومت علوی داشت، در طی چهار نامه به اهالی مدینه، خواهرش ام هانی، اهالی کوفه، والی و اهالی کوفه، به اطلاع رسانی از نتیجه جنگ جمل پرداخته است و شرح وقایع را دقیق بیان نمود و از برنامه‌هایش برای تغییر پایتخت به کوفه خبر داد. (رک. مفید، ج، ۱۴۱۳، ص ۳۹۵-۳۹۶، ۳۹۷-۳۹۹، ۴۰۳-۴۰۴) در واقع، امام بدین طریق اسباب روشنگری مردمی که در صحنه جمل حضور نداشتند را فراهم آورد و شبهات را برطرف نمود. اهتمام فراوان حضرت برای نگارش مکتوباتی درباره «واقعه جمل»، نشان از ژرف‌نگری و بیش فراتاریخی حضرت برای هدایت بشر و اصلاح جامعه اسلامی دارد.

۶. سلسله اقدامات امام علی (علیه السلام) در برخورد با مخالفان داخلی

باجستجوی «کلمات کلیدی در متن» که تاحدی بیانگر ماهیت خلاصه کنندگی تحلیل محتواست (نئوندورف، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶)، سپس شمارش هر کلیدواژه و کلمه‌های وابسته به آن، می‌توان فهرستی از فراوانی کلمه‌های موردنظر در متن را فراهم نمود و از طریق تحلیل آن به نتایج مطلوبی دست یافت. (رک. هومن، ۱۳۹۳، ص ۵۶) در واقع، بایستی بسامد واژه‌هایی مورد توجه قرار گیرد که در فرآیند تحلیل و نتیجه‌گیری، تأثیرگذار باشد.

بی‌تردید سنجش فراوانی کلیدواژگان سخنان امام علی (علیه السلام)، در شناخت سیره و رفتار آن حضرت در مواجهه با اولین مخالفان داخلی حکومت، اهمیت بسزایی دارد و میزان بسامد هر کدام از آنها، نشانگر میزان توجه حضرت نسبت به آن مسأله است. بدین منظور، هنگام تدوین جداول تحلیل محتوای پژوهش حاضر، کلیدواژگان مدنظر شناسایی و ثبت شد. معیار عمده در شناسایی این کلمات، تصریح در متن (نص) بوده است. اما کلماتی که دارای اشتراك لفظی بود، نظیر: «امر»، «حق» و «امانت»، با توجه به سیاق متن، مفهوم ضمنی آن از متن استخراج و در کنار آن لفظ درج گردید. در این موارد، همان معنای ضمنی، معیار سنجش فراوانی قرار گرفت. به عنوان مثال، در این عبارت از خطبه حضرت؛ «وَرَدَ اللَّهُ الْأَمْرَ إِلَيَّ» که در مدینه و پس از خروج ناکثین ایراد شده است (مفید، ب، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۵)، براساس بافت درون متنی و برون متنی مشخص می‌شود که مقصود از «امر» در اینجا، «خلافت» است. در نتیجه برای این محتوا، کلیدواژه «امر (خلافت)» مدنظر قرار گرفت که زیرشاخه کلیدواژه اصلی «خلافت» محسوب می‌شود.

باتوجه به حجم گسترده محتوای مورد تحلیل در این اثر، راهکاری اتخاذ شد تا با انتخاب تعدادی واژگان کلیدی اصلی، سایر کلیدواژه‌های فرعی به عنوان زیرشاخه آنها محسوب شود. جدول سنجش فراوانی کلیدواژگان سخنان حضرت در پیوست است. نمودار مربوط به میزان بسامد کلیدواژگان سخنان حضرت نیز مطابق شکل قابل ترسیم است.



نمودار سنجش فراوانی کلیدواژگان سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در برابر اولین مخالفان داخلی

بنابراین با استفاده از یافته‌های این نمودار و با توجه به ترتیب پربسامدترین کلیدواژگان سخنان حضرت، می‌توان دریافت که امام علی (علیه السلام) سلسله برنامه‌های ذیل را در مواجهه با اولین گروه از مخالفان داخلی حکومت در نظر داشته است:

۱.۶ تلاش برای هدایت مخالفان و برحذر داشتن آنان از جنگ‌افروزی

از مهم‌ترین مسئولیت‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جایگاه امام و ولی امر مسلمانان، هدایت همه اقشار جامعه اسلامی و برقراری امنیت عمومی بوده است. در نتیجه، هنگام مواجهه با اصحاب جمل، توجه خاصی به امر هدایت آنان داشته و همواره به شیوه‌های مختلفی نظیر نصیحت، دعوت به توبه و امان دادن، درصدد اصلاح و ارشاد آنان و دفع فتنه برآمده است. چنانکه در خطبه‌اش در آغاز فتنه ناکثین، بر لزوم اطاعت از خدا و رسول و لزوم شکرگزاری بر نعمت بهره‌مندی از حکومت الهی تأکید می‌کند. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۲۰) همچنین در گفتگو با ناکثین، آنان را به صبر دعوت نموده است؛ «اللّٰهُمَّ اَللّٰهُ وَاَيُّكُمْ الصَّبْرُ عَلَيْهِ». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۳۲) مهم‌تر اینکه حضرت در مکاتبه با طلحه و زبیر قبل از جنگ، می‌نویسد: «فَارْجِعَا وَتُوبَا اِلَى اللّٰهِ مِنْ قَرِيبٍ». (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۶) در واقع، حضرت پس از خروج ناکثین، پیوسته بر لزوم توبه و استغفار و پرهیز از جنگ‌طلبی آنان تأکید نموده است. چنانکه هنگام

ملاقات و احتجاج با ناکثین در آستانه جنگ، خطاب به طلحه می گوید: «أَيُّهَا الشَّيْخُ أَقْبِلِ النَّصْحَ وَارْضِ بِالتَّوْبَةِ». (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۵) هنگام وقوع جنگ جمل نیز، منادی حضرت لشکریان جمل را مورد خطاب قرار داد و آنان را به پرهیز از جنگ فراخواند و امنیت آنان را تضمین نمود: «وَإِنْ أَحْبَبْتُمْ فَلِيَّ فَإِنَّكُمْ آمِنُونَ بِأَمَانِ اللَّهِ». (مفید، ج ۱۳، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۵) در نتیجه اینکه، حضرت همواره درصدد اصلاح ناکثین و جامعه اسلامی بوده است. لذا ضمن گفتگو با کوفیان در آستانه بصره، چندین مرتبه بر لزوم اصلاح ناکثین تأکید می کند و نحوه عملکرد خویش را چنین بیان می فرماید: «عَلَى الْإِصْلَاحِ وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ... قَدْ بَانَ لَنَا وَلَهُمْ أَنَّ الْإِصْلَاحَ الْكَفَّ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ». (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۴۹۵-۴۹۶)

۲.۶ تبیین جنگ طلبی ناکثین برای عموم مردم

با توجه به اینکه اصحاب جمل اولین گروه از مسلمانان بودند که در مقابل امام و ولی امر مسلمانان و خلیفه برحق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قیام کردند و پس از خروج بر حضرت، قصد براندازی حکومت علوی را داشتند، در سیاق کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تبیین رویه اصحاب جمل نیز، بر واژگانی نظیر: «قتل»، «قتال» و «حرب» تأکید شده که ترکیب و هم نشینی این کلمات با یکدیگر، بیانگر شاخصه جنگ طلبی ناکثین است. گزارشات تاریخی نیز گواه این مطلب است که ناکثین حتی قبل از وقوع جنگ جمل، پس از تصرف بصره با حيله گری اقدام به جنگ با اهالی بصره و کارگزاران حضرت نمودند. (رک. مفید، ج ۱۳، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۱-۲۸۴)

در واقع، ناکثین با ایجاد رعب و وحشت در جامعه اسلامی و کشتار ظالمانه مسلمانان، درصدد رسیدن به خواسته های نامشروعشان بودند. با این توصیف، اصحاب جمل یکی از بارزترین مصادیق این آیه شریفه به شمار می آیند: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (المائدة: ۳۳). به حکم نص قرآن، از جمله مجازات افراد محارب با خدا و رسول که با ایجاد رعب در جامعه اسلامی موجب اخلال در امنیت عمومی شده اند، قتل آنان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۲۶) هدف حضرت از تأکید مکرر بر «محارب بودن ناکثین»، روشنگری در جامعه اسلامی است. زیرا از آغاز فتنه تا زمان جنگ و حتی در حین جنگ، پیوسته این ابهام برای برخی مسلمانان وجود داشت که آیا پیکار با صحابه برجسته و همسر رسول

خدا (صلی الله علیه و آله) جایز است؟ و مدام در این خصوص از حضرت سؤال می‌کردند. در روایات متعددی، گزارش این قبیل گفتگوها نقل شده است. (رک. طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۲۲۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۰؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۴۰-۶۴۲)

در نتیجه، حضرت لازم دانسته است که برای تبیین مشروعیت جهاد با ناکثین، مردم را از فلسفه این حکم آگاه کند که همانا بنا به حکم قرآن، ناکثین «محارب و مفسد فی الارض» هستند و اجرای احکام الهی در باره آنان امری ضروری است. از همین رو، در ضمن خطبه‌ای در آستانه جنگ جمل، ابتدا برخی از اقدامات جنگ طلبانه ناکثین را چنین برمی‌شمارد: «وَمَنْ عَصَاهُمَا قَتَلُوهُ وَقَدْ كَانَ مِنْ قَتْلِهِمَا حُكْمٌ بَنَ جَبَلَةً مَا بَلَغَكُمْ وَقَتْلِهِمَا السَّبَابِجَةَ وَفِعَالِهِمَا بَعْثُمانَ بْنَ حُنَيْفٍ ... وَآذَنُوا بِالْحَرْبِ». سپس حکم قصاص ناکثین را به خاطر این کشتارهای ظالمانه، قابل اجرا می‌داند. (رک. مفید، ج ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۱)

۳.۶ یادآوری بیعت و الزام مخالفان بر پای‌بندی به آن

از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مسأله «بیعت» از کلیدی‌ترین مفاهیم در فتنه جمل به شمار می‌رود. چنانکه امام در روایات موردنظر، ۵۱ مرتبه واژه «بیعت» را به کار برده است. به عبارتی، ماجرای بیعت به عنوان نقطه عطفی در شروع مخالفت ناکثین محسوب می‌شود، زیرا به شهادت تاریخ، گرچه طلحه و زبیر در زمره اصحابی بودند که داوطلبانه برای بیعت با حضرت پیشقدم شدند، اما حضرت به روشنی از نیت قلبی آنان آگاه بود. لذا در همان روز بیعت بی‌اعتمادی خویش نسبت به آنان را اعلام نمود. (رک. مفید، ج ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۰) سپس تا قبل از خروج ناکثین از مدینه، بارها از آنان برای اختیاری بودن بیعت‌شان اقرار گرفت و آنها نیز تجدید بیعت کردند. چنانکه امام در گفتگو با طلحه و زبیر فرمود: «أَلَمْ تَأْتِيَانِي وَتُبَايَعَانِي طَائِعِينَ غَيْرَ مُكْرَهَيْنِ». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۳۱) در نتیجه حضرت بارها با عهدالله خواندن بیعت، بر مشروعیت بیعتش و لزوم وفاداری نسبت به آن تأکید می‌نماید. از جمله اینکه در نامه به عثمان بن حنیف، به او چنین سفارش می‌کند: «وَالرُّجُوعُ إِلَى الْوَفَاءِ بِعَهْدِ اللَّهِ وَالْمِيثَاقِ الَّذِي بَايَعُوا عَلَيْهِ» (اسکافی، ۱۳۷۴ش، ص ۶۰) همچنین حضرت با تصریح بر بیعت عمومی و داوطلبانه مردم، بر مقبولیت بیعتش صحه می‌گذارد. چنانکه در نامه حضرت به طلحه و زبیر قبل از جنگ، چنین آمده است: «أَنِّي لَمْ أُرِدِ النَّاسَ حَتَّى أَرَادُونِي وَلَمْ أَبَايَعُهُمْ حَتَّى بَايَعُونِي وَإِنِّكُمْ مِمَّنْ

أَرَادَنِي وَبَايَعَنِي» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۵) در واقع، امام مرتب بر موضوع داوطلبانه بودن بیعت ناکثین و لزوم وفاداری آنان به بیعتی که با حاکم جامعه اسلامی بسته‌اند و نیز اهمیت مسأله «بیعت» در حفظ نظام اسلامی تأکید نموده است.

۴.۶ پرهیز دادن مخالفان از فتنه‌انگیزی و ایجاد فساد در جامعه اسلامی

دغدغه اصلی حضرت حفظ جامعه اسلامی در برابر فتنه‌ها بود. در نتیجه، پس از ایراد خطبه‌ای در مذمت اهالی بصره که در دام فتنه ناکثین گرفتار شده بودند، آنان را به پرهیز از فتنه‌جویی سفارش می‌کند؛ «فَيَاكُمْ وَالْفِتْنَةَ» (مفید، ج ۱۳، ۱۴ق، ص ۴۰۸) لازم به ذکر است که «فتنه» و «فساد» دارای معنایی گسترده می‌باشد. اما با توجه به کلام حضرت، این مفاهیم در رابطه با واقعه جمل، متضمن ابعاد اجتماعی آن است. چنان‌که امام در گفتگو با طلحه و زبیر هنگام اجازه خواستن آنان برای رفتن به سفر حج، از آنها می‌خواهد که تجدید بیعت کنند و متعهد شوند که درصدد ایجاد فساد و فتنه در جامعه اسلامی نباشند؛ «اخْلَفَا لِي بِاللَّهِ الْعَظِيمِ أَنْكُمَا لَا تُفْسِدَانِ عَلَى أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ ... وَلَا تَسْعِيَانِ فِي فِتْنَةٍ». آنان نیز قاطعانه سوگند می‌خورند و از نزد حضرت خارج می‌شوند. اما پس از آن که ابن عباس بر حضرت وارد می‌شود، امام چنین می‌گوید: «وَاللَّهِ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَا قَصَدَا إِلَّا الْفِتْنَةَ ... وَ سَيُفْسِدُ هَذَا الرَّجُلَانِ عَلَى أُمْرِي». (رک. مفید، ج ۱۳، ۱۴ق، ص ۱۶۶-۱۶۷) تاریخ گواهی می‌دهد که پیش‌بینی حضرت تحقق می‌یابد و ناکثین به اشکال مختلف به اشاعه فتنه و فساد می‌پردازند. در بیانات حضرت نیز به کرات بر بیان مفسد ناکثین و فتنه‌انگیزی آنان تصریح شده است. از جمله در نامه امام به ابوموسی اشعری بر بدعت‌گذاری ناکثین تأکید می‌شود؛ «وَأَخَذُوا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَدَّثَ الْعَظِيمِ». (مفید، ج ۱۳، ۱۴ق، ص ۲۴۲؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۸) سپس در نامه حضرت به کوفیان به برخی از ابعاد بدعت و فتنه ناکثین اشاره می‌شود: «وَقَدْ رَكِبَتِ الْمَرْأَةُ الْجَمَلَ وَبَحَثَتْهَا كِلَابُ الْحَوَاطِبِ وَقَامَتِ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ يَقُودُهَا رَجَالٌ». (مفید، ج ۱۳، ۱۴ق، ص ۲۵۹) در خطبه امام هنگام بیعت باحاضران در ذوقار نیز به تفرقه‌افکنی ناکثین اشاره می‌شود؛ «وَيُفَرِّقُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ عَنِّي». (مفید، الف، ۱۳، ۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۹) در واقع حضرت سران ناکثین را به پرهیز از فتنه‌انگیزی در جامعه ملزم می‌سازد و با تبیین فتنه‌گری ناکثین، عموم مردم را به پرهیز از فتنه‌جویی فرامی‌خواند.

۵.۶ تأکید بر ریشه‌یابی علل فتنه‌انگیزی ناکثین

حضرت در بیان انگیزه‌ها و عوامل مخالفت ناکثین، همواره بر رفتارهای جاهلانه ناکثین تأکید می‌کند و متذکر می‌شود که اغلب اقدامات مخرب ناکثین، ریشه در جهل، ضلالت، دنیاطلبی و حسادت آنان دارد. چنانکه امام در ضمن خطبه‌اش هنگام خروج از ذوقار، با تأکید بر جهالت، ضلالت، باطل‌گرایی، پیروی از اراده‌های شیطانی و تأثیرپذیری ناکثین از توطئه‌های معاویه، بخشی از نمودار جاهلیت ناکثین را به تصویر می‌کشد؛

وَلَقَدْ كَانَ مُعَاوِيَةُ كَتَبَ إِلَيْهِمَا مِنَ الشَّامِ كِتَابًا يَخْدَعُهُمَا فِيهِ فَكَتَمَاهُ عَنِّي ... وَاللَّهُ مَا أَنْكَرَا عَلَيَّ مُنْكَرًا وَلَا جَعَلَا بَيْنِي وَبَيْنَهُمَا نَصْفًا ... وَاللَّهُ إِنَّهُمَا لَفِي ضَلَالَةٍ صَمَاءَ وَجَهَالَةٍ عَمِيَاءَ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ لَهُمَا حَزْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ مِنْهُمَا خَيْلَهُ وَرَجُلَهُ لِيُعِيدَ الْجُورَ إِلَى أَوْطَانِهِ وَيَرُدَّ الْبَاطِلَ إِلَى نَصَابِهِ. (مفید، ج، ۱۴۱۳، ص ۲۶۸؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۴۰۴، ج ۱، ص ۳۱۰)

بنابراین امام جاه‌طلبی و کینه‌جویی ناکثین را ناشی از حسادت آنان به جایگاه ولایت می‌داند؛ «وَإِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَى أَدْبَارِهَا». (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۴)

۶.۶ تأکید بر شایستگی اهل بیت (علیهم‌السلام) برای تصدی حکومت و

مدیریت جامعه

مسئله «خلافت»، همواره از جمله مباحث چالش‌برانگیز در تاریخ اسلام بوده است. حتی وقتی جامعه اسلامی با چندین سال تأخیر، به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) روی آورد و عموم مردم با اصرار با حضرت بیعت کردند و حکومت امام رسمیت یافت، ناکثین با وجود سابقه مشهور حمایت از حضرت در ماجرای سقیفه، عکس مخالفت با امام را برافراشتند و خلافت حضرت را مورد تردید قرار دادند تا جایی که طلحه در گفتگو با حضرت در آستانه جنگ، بحث مخالفت اعضای شورای خلافت با حضرت و لزوم واگذاری تعیین خلیفه به شورا را مطرح کرد. (رک. ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹۴-۹۵) در نتیجه، حضرت با معرفی خود به عنوان امام و اهل بیت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بر اهلیت و افضلیت خویش برای منصب خلافت تأکید نموده است. از جمله اینکه در خطاب به اهالی بصره و بازماندگان جمل می‌فرماید: «وَحَالَفْتُمْ إِمَامَكُمْ» (مفید، ج، ۱۴۱۳، ص ۴۰۷) و در خطاب به حاضران در ذوقار نیز چنین می‌گوید: «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبَوَةِ وَ أَحَقُّ الْخَلْقِ بِسُلْطَانِ الرَّسَالَةِ وَ مَعْدِنُ الْكَرَامَةِ الَّتِي

ابْتَدَأَ اللَّهُ بِهَا هَذِهِ الْأُمَّةَ وَهَذَا طَلْحَةُ وَالزُبَيْرُ لَيْسَا مِنْ أَهْلِ النَّبُوَّةِ وَلَا مِنْ ذُرِّيَةِ الرَّسُولِ حِينَ رَأَى أَنَّ اللَّهَ قَدْ رَدَّ عَلَيْنَا حَقَّنًا بَعْدَ أَغْصُرَ». (مفید، الف، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۹) بدین ترتیب حضرت بر صلاحیت و مشروعیت خلافتش و عدم اهلیت طلحه و زبیر برای این منصب تأکید می‌کند. درواقع، حضرت درپی تأکید بر حقانیتش به عنوان حاکم جامعه اسلامی، حق مشروع خود مبنی بر جواز مقابله با مخالفان حکومت اسلامی را مطالبه نموده است.

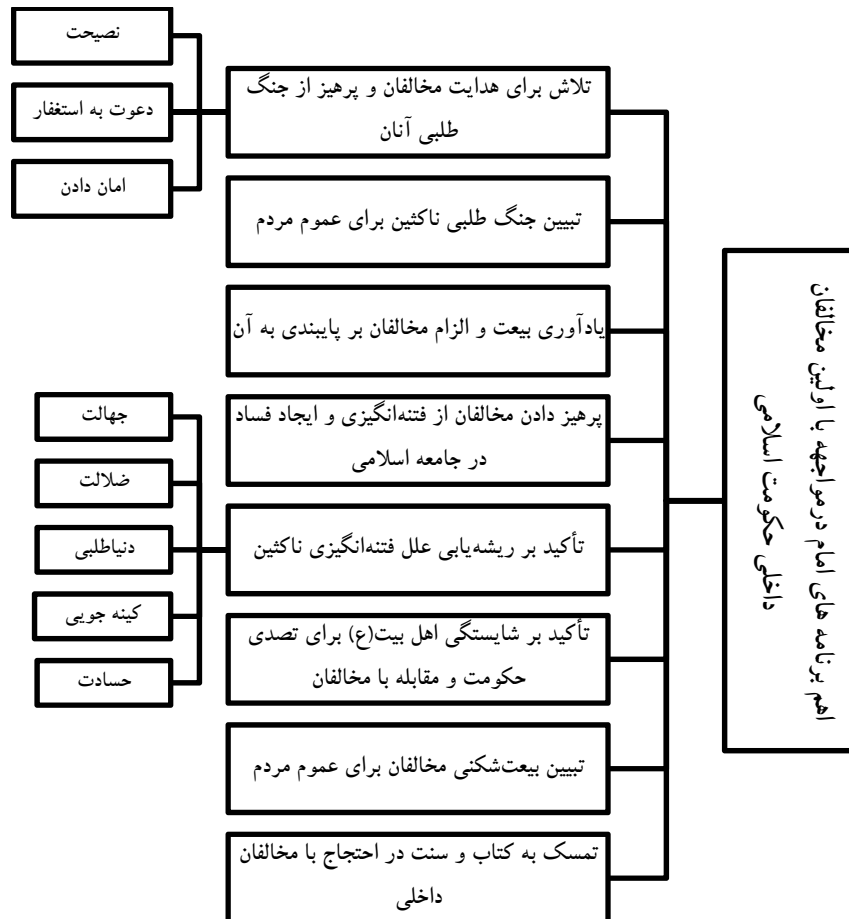
۷.۶ تبیین بیعت‌شکنی مخالفان برای عموم مردم

باوجود بیعت‌شکنی آشکار ناکثین، حضرت با تأکید فراوان درصدد اثبات پیمان شکنی مخالفان است تا بدین ترتیب مقابله خود با آنان را موجه و قانون‌مند سازد و هر نوع شبهه و تردید دراین مسأله را برطرف نماید. به کارگیری ۳۷ بار ریشه «نکث» و ۵ مرتبه ریشه «نقض» درضمن روایات امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بیانگر اهمیت مسأله «اثبات پیمان‌شکنی ناکثین» از دیدگاه حضرت است. چنانکه امام خطبه‌اش را در فراخوان اهل مدینه برای جهاد با ناکثین، چنین آغاز می‌کند: «تَجَهَّزُوا لِلْمَسِيرِ فَإِنَّ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرَ قَدْ نَكَا الْبَيْعَةَ وَنَقَضَا الْعَهْدَ». یعنی در بیان علت مشروعیت جهاد با مخالفان، ابتدا بر بیعت‌شکنی و نقض عهد ناکثین تأکید می‌فرماید. سپس بر آنان نفرین می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ قَدْ بَغَيَا عَلَيَّ وَنَكَا عَهْدِي وَنَقَضَا عَقْدِي». (رک. مفید، ج، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۰) بدین ترتیب، حضرت پیمان‌شکنی ناکثین را به‌مثابه ظلم به مقام ولایت می‌داند. درواقع، «پیمان‌شکنی» بارزترین شاخصه اصحاب جمل و همه مخالفان داخلی حکومت اسلامی است که اثبات این مسأله در مورد هر گروه از آنان، مجوزی برای مقابله حاکمان اسلامی با آنان می‌باشد.

۸.۶ تمسک به کتاب و سنت در احتجاج با مخالفان داخلی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) که خود قرآن ناطق و عامل به قرآن و سنت بود، در مسأله مهم مواجهه با مخالفان داخلی نیز، در موارد متعددی سخنانش را مستند به قرآن و روایت نبوی بیان می‌نمود. ازجمله اینکه در پایان گفتگو با طلحه و زبیر پیرامون زیاده‌خواهی آنان از بیت‌المال، امام به آیه شریفه {إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا} (الفتح: ۴۸) استناد می‌کند. (مفید، ج، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۵) همچنین در گفتگو با زبیر در آستانه جنگ، با

یادآوری روایت نبوی باعث انصراف زبیر از جنگ می‌شود؛ «أَنْشِدَكَ اللَّهُ يَا زُبَيْرُ، هَلْ تَعْلَمُ أَنَّكَ مَرَرْتَ بِي وَأَنْتَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ... ضَحَكَ إِلَيَّ، ثُمَّ النَّفْتُ إِلَيْكَ، فَقَالَ لَكَ: يَا زُبَيْرُ، إِنَّكَ تُقَاتِلُ عَلِيًّا وَأَنْتَ لَهُ ظَالِمٌ». سپس در گفتگو با اصحابش نیز این مطلب را یادآوری می‌کند: «إِنِّي ذَكَرْتُ لَهُ حَدِيثًا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: لَوْ ذَكَرْتُهُ مَا أَتَيْتُكَ». (رک. ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۲) همچنین در ماجرای اتمام حجت با اصحاب جمل در آغاز جنگ، حضرت ابن عباس را فرامی‌خواند و قرآنی به او می‌دهد و می‌فرماید: «امْضُ بِهِذَا الْمُصْحَفَ إِلَى طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ وَ عَائِشَةَ وَ ادْعُهُمْ إِلَيَّ مَا فِيهِ... وَ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ». (مفید، ج ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۶) در واقع، حضرت با تمسک به قرآن، بر لزوم دعوت ناکثین به آموزه‌های آن و نیز داوری قرآن جهت حل اختلاف میان حضرت و مخالفان تأکید می‌کند. بنابراین اهم برنامه‌های امام علی (علیه السلام) در مواجهه با اولین مخالفان داخلی حکومت مطابق نمودار ترسیم می‌گردد.



نمودار سلسله برنامه های امام علی (علیه السلام) در مواجهه با مخالفان داخلی حکومت اسلامی

۷. نتیجه گیری

با استفاده از تحلیل محتوای روایات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باره اصحاب جمل، می توان به الگوی رفتاری امام در مواجهه با اولین مخالفان داخلی حکومت اسلامی دست یافت. مراحل تاریخی مواجهه امام با این مخالفان شامل: آغاز فتنه، قبل از جنگ، در آستانه و حین جنگ، و بعد از جنگ می شود. ملاحظه می شود که بیشترین حجم کلمات حضرت در مقطع قبل از جنگ و در قالب خطبه های عمومی و روشنگرانه بوده است. بیشترین تعامل و گفتگوی مستقیم حضرت با مخالفان نیز در آغاز فتنه صورت گرفته است. بیشترین حجم نامه های حضرت نیز مربوط به بعد از جنگ، جهت اطلاع رسانی از نتیجه جنگ و

تبیین مفصل این واقعه تاریخی با هدفی فراتاریخی بوده است. در آستانه و بحبوحه جنگ نیز بیشترین بهره را برای گفتگو با سران مخالفان، موعظه رزمندگان و نیز سپاهیان فریب خورده دشمن برده است. در مجموع، می‌توان مدل عملیاتی برنامه امام در مواجهه با مخالفان داخلی حکومت اسلامی را که مشتمل بر سلسله اقدامات پیوسته و مرتبط باهم است، این گونه تشریح نمود. اولویت کار حضرت، «هدایت مخالفان و پرهیز دادن آنان از انجام اقدامات مسلحانه» و نیز «اثبات جنگ‌طلبی ناکثین و تبیین خطر آنان برای جامعه اسلامی» است. اولویت بعدی امام پیشگیری از «اقدامات فتنه‌انگیز و فسادآمیز مخالفان در جامعه» و هم‌چنین «ریشه‌یابی مفاسد مخالفان و تأکید بر جهل، گمراهی، دنیاطلبی و کینه‌جویی آنان» است. از طرفی، «با تأکید بر حقانیت خلافتش» به عنوان حاکم مشروع امت اسلامی، در پی احقاق حقش برای مقابله با مخالفان حکومتی برمی‌آید و در مقام احتجاج با مخالفان، به قرآن و سنت تمسک می‌جوید. هم‌چنین علاوه بر «یادآوری مکرر بیعت و الزام مخالفان برای وفاداری به بیعت مشروع»، با «اثبات پیمان‌شکنی مخالفان» بر لزوم مقابله با آنان صحنه می‌گذارد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- نهج البلاغه. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبّه‌الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن‌اثیر، أبو‌الحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن‌اعثم، أحمد (۱۴۱۱ق)، کتاب‌الفتوح، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالأضواء.
- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل‌أبی‌طالب علیهم‌السلام، قم: علامه.
- ابن‌قتیبّه، أبو‌محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق)، الإمامه و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالأضواء.
- احسانی، محمد (۱۳۹۴)، «تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۵: ۷-۳۲.
- اسکافی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۴)، المعیار و الموازنه، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران: نی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه: محمد یمنی دوزی سرخابی، ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار، ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.

توان، عباس (۱۳۸۰)، *مشی امام علی (ع)* در برخورد با مخالفان، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: داوود فیرحی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

حاجی خانی، علی؛ جلیلیان، سعید (۱۳۹۶)، «روش مقابله با کودتا در نهج البلاغه با محوریت حرکت اصحاب جمل»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال پنجم، شماره ۲۰: ۷۱-۸۸.

حراملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق) *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی. حق پناه، جعفر (۱۳۷۸)، «اپوزیسیون و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴: ۸۲-۹۸.

درخشه، جلال (۱۳۷۹)، *مواضع سیاسی حضرت علی (ع)* در قبال مخالفین، تهران: تبلیغات اسلامی - بین الملل.

دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۹۴)، *سودای پیمان شکنان: تحلیل فتنه جمل با تکیه بر نهج البلاغه*، تهران: دریا.

دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸)، *الأخبار الطوال*، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم: الرضی. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربی.

روحی برندق، کاوس؛ قربانیان، صالح (۱۳۹۶)، «شیوه های اجتماعی سیاسی امیرمومنان (ع) در جهت جذب و هدایت مخالفان»، *پژوهش نامه علوی*، سال هشتم، شماره ۱: ۲۳-۴۲.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی (للطوسی)*، قم: دار الثقافة. قاضی زاده، کاظم؛ نیکخواه منفرد، فاطمه (۱۳۹۲)، «حقوق مخالفان پیش از جنگ و هنگام جنگ از دیدگاه نهج البلاغه»، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال یازدهم، شماره ۱: ۱۲۷-۱۴۵.

کرپندورف، کلوس (۱۳۸۳)، *تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی*، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نی. لطیفی، علی؛ ظریفیان یگانه، محمدحسین (۱۳۹۱)، «اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی علیه السلام»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق*، سال پنجم، شماره ۱۵: ۱۰۱-۱۱۶.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی. محمدنژاد، لطف الله (۱۳۹۴)، *نگاه تحلیلی به واقعه جنگ جمل*، ساری: هاوژین.

- محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۹)، *روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)*، تهران: گنجینه علوم انسانی، دانش‌نگار.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- ، *الأمالی*، تحقیق: حسین استادولی، علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
- ، *العجل و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مهوری، محمدحسین (۱۳۷۹)، «سیره امیرالمؤمنین (ع) در برخورد با مخالفان جنگ طلب»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۷: ۴۲۸-۴۵۳.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۰)، *شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی*، ترجمه: حسن دانایی‌فرد، حسین کاظمی، تهران: کتاب مهربان نشر.
- نئوندورف، کیمبرلی‌ای (۱۳۹۵)، *راهنمای تحلیل محتوا*، ترجمه: حامد بخشی، وجیهه جلائیان بخشنده، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- هولستی، ال-آر (۱۳۷۳)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسان*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- هومن، عباس (۱۳۹۳)، *راهنمای عملی تحلیل محتوا*، تهران: مبتکران، پیشروان.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.